

تأثیر معناشناسی واژگانی در درک موضوع نسبیت و جاودانگی اخلاق در دیدگاه ایزوتسو

علیرضا آتش پنجه^۱، افرسیاب صالحی شهرودی^۲

^۱ عضو هیات علمی گروه زبان انگلیسی، مرکز تحقیقات ایمونولوژی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

^۲ عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان (نویسنده مسئول)

چکیده

موضوع اخلاق مورد توجه بسیاری از اندیشمندان در طول تاریخ قرار گرفته و از منظرهای مختلف به آن پرداخته شده است از جمله کسانی که در این حوزه وارد شده توشیهیکو ایزوتسو زبانشناس معروف ژاپنی می باشد. در این نوشتار سعی شده است پاسخ ایزوتسو به یکی از سوالات پرتکرار در میان مباحث اخلاقی یعنی نسبیت یا جاودانگی اخلاق را مورد کنکاش و جستجو قرار دهیم تا ببینیم تأثیر مطالعات معناشناسانه که از شاخه های زبانشناسی می باشد در این مبحث چه خواهد بود. برخی از نوشته های ایزوتسو اینگونه برداشت کرده اند که او اخلاق را نسبی می داند اما با جستجوی بیشتر در آثار ایزوتسو مشخص شده است که مراد او از آن نوشته ها نسبیت اخلاقی به معنای مصطلحش نمی باشد.

واژه های کلیدی: اخلاق، توشی هیکو ایزوتسو، معناشناسی، جاودانگی در اخلاق، نسبیت در اخلاق

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

پروفسور «توشی هیکو ایزوتسو»، اسلام شناس، زبان شناس و فیلسوف معاصر ژاپنی، در چهارم ماه می ۱۹۱۴ م. در شهر توکیو دیده به جهان گشود. وی در دانشکده ادبیات دانشگاه کیو در رشته زبانشناسی تحصیل کرد و بعد از گرفتن دکتری در همین دانشکده به تدریس زبانشناسی و فلسفه پرداخت. او در سن بیست‌سالگی به فراگیری زبان عربی پرداخت و در این مسیر تا جایی پیش رفت که به عضویت فرهنگستان زبان و ادبیات مصر درآمد، و آثار غزالی، کلام اشعری و ابن‌سینا را تدریس می‌نمود و حتی در انجمن فلسفه و حکمت ایران چند سال به تدریس و شرح فصوص‌الحکم پرداخت.

ایزوتسو در بسیاری از انجمن‌ها و مؤسسات معتبر پژوهشی، تحقیقاتی و فلسفی جهان عضویت داشت که برخی از آنها عبارتند از: مؤسسه بین‌المللی فلسفه پاریس، انجمن بین‌المللی فلسفه در قرون وسطی در لون (بلژیک)، انجمن کانادایی مطالعات تاریخ و فلسفه علوم در مونترال (کانادا). فرهنگستان زبان و ادب عرب در قاهره. او در مصاحبه با آقای پور جوادی، عامل آشنایی جدی خود با قرآن را ترجمه این کتاب آسمانی به زبان ژاپنی عنوان کرد، که این کار را به درخواست و اصرار یکی از ناشران مطرح کشورش از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۸ انجام داد و غیر از برکات مادی عامل گرایش بیش‌ازپیش او به اسلام و قرآن شد.

ایزوتسو با فلسفه یونانی و نوافلاطونی و مکاتب فلسفی جدید غربی آشنا بود و نسبت به فلسفه‌ها و مکاتب عرفانی شرقی از قبیل هندوئیسم و بودائیسم هم آگاهی کامل داشت، با این حال علاقه‌مندی شدیدی به افکار فلسفی و عرفانی اسلام از خود نشان می‌داد و در پاسخ به سؤال در مورد دلیل این علاقه گفته است: «علاقه من به اسلام چیز مرموزی است که نمی‌توانم آن را توضیح دهم، همین قدر می‌توانم بگویم که اسلام مرا مسحور خود کرده است.»^۳

در سال ۱۹۶۱ م به مونترال کانادا مهاجرت کرد و در زمانی که در کانادا اقامت داشت با حضور در درس اسرارنامه عطار و جامع‌ال حکمتین ناصر خسرو که تدریس آن به عهده دکتر مهدی محقق بود، زبان فارسی را آموخت. و با ایشان در ترجمه قسمت امور عامه و جواهر و اعراض کتاب شرح منظومه مشارکت نمود. او کتاب‌های «خدا و انسان در قرآن» و «مفاهیم دینی- اخلاقی در قرآن مجید» را در زمینه پژوهش‌های قرآنی نوشته و روش خود را در این دو کتاب روش معناشناختی نامیده است،^۴ او این روش را که مبتنی بر اصول نظری برخاسته از مکتب معناشناسی بُن بوده است برای استخراج معانی واژگان کلیدی قرآن - طبق نظر خودش - بکار گرفت؛ ارائه این روش توسط ایزوتسو تلاشی بوده است در جهت نظام‌مند ساختن، برداشت‌های معنایی از قرآن کریم تا مسیر برای دستیابی به نتایج علمی و قابل‌اعتماد هموار گردد و بدین جهت می‌توان گفت تلاش این محقق در جهت نظام‌مند ساختن برداشت‌های مستشرقان از قرآن کریم تلاشی شایسته ستایش است.

مطالعه و شناخت ظرافتهای زبان انسان را به این نتیجه می‌رساند که زبان پیچیده ترین دستگاه ساخت بشر است، این دستگاه نظامی از نشانه‌های قراردادی است که مهم‌ترین نقش آن انتقال معناست و برخلاف سایر نظام‌های نشانه‌ای، از واحدهای محدودی تشکیل نشده است و می‌تواند هرچه را قابل‌درک است بیان کند. در این نظام از رمزهای آوایی، ارزش هر رمزی، به قراردادی است که در میان افرادی که با آن سر و کار دارند استوار است. زبان ابزار ارتباط و انتقال اندیشه بین‌گوینده و شنونده است.

۷

۱. پور سینا، زهرا. مقدمه کتاب مفهوم ایمان در کلام اسلامی. ص ۲۱.

۲. ربیعی آستانه، مسعود. ایزوتسو و معنی شناسی در آیات قرآن. پژوهش‌های قرآنی. ۳۷ و ۳۸: (۱۳۸۳) (۳۲۸-۳۴۰).

۳. نصر الله پور جوادی، آخرین دیدار با ایزوتسو، نشر دانش، سال سیزدهم، شماره دوم.

۴. مجله پرسمان. ۱۹ (۱۳۸۳).

۵. علوی نژاد، حیدر. «معناشناسی و فهم متن» پژوهش‌های قرآنی. ۲۷-۲۸: (۱۳۸۰): ۲۷۸ - ۳۲۱

۶. کروز، د.ا. معنی شناسی (زبان‌های دنیا، چهار مقاله در زبانشناسی). ص ۱۱۲.

۷. فهیمی حجازی. محمود. زبانشناسی عربی. ۱۶.

مطالعه علمی زبان بر عهده علم زبان‌شناسی است، شاخه‌های این علم عبارتند از آواشناسی، واج‌شناسی، تاریخ تحولات لغوی، علم نحو، فراگیری زبان و علم معانی یا معناشناسی^۸ اصطلاح معناشناسی «semantic» که در زبان عربی (علم الدلاله) یا (علم المعنی) نام دارد. نخستین بار در سال ۱۸۹۴ ژر مقاله‌ای با عنوان «معانی منعکسه: نکته‌ای در معناشناسی» که به انجمن زبان‌شناسان آمریکا ارائه شد، مطرح گردید. هرچند پیشتر از آن هم تلاش برای مطالعه معنا تحت عناوینی چون «شناخت»، «معرفت»، «آگاهی»، «هستی‌شناسی»، «پدیدارشناسی» انجام می‌پذیرفت.

زبان به دو حوزه لفظ، و حوزه محتوا و معنا تقسیم می‌شود و هر قطعه‌ای از حوزه لفظ، با برش قرینه‌ای از حوزه معنا ارتباط می‌یابد.^۹ زبان‌شناسی در حوزه لفظ، با صورت و شکل ساختاری کلمات و عناصر زبانی و در حوزه محتوا با معنای الفاظ بسیط و در حالت ترکیبی آن‌ها سر و کار دارد؛ این حوزه از زبان‌شناسی را «معنی‌شناسی» (Semantics) می‌خوانند که با عبارات «بررسی معنا»، «دانشی که به بررسی معنا می‌پردازد» و «شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی که به نظریه معنا می‌پردازد» توصیف شده است.^{۱۲}

معنا، مصداقی است که در جهان خارج وجود دارد، یا مفهومی است که برحسب مصداق‌ها، به صورت نوعی تصور، در ذهن سخن‌گویان زبان انباشته شده است. بنابراین همه علوم به نحوی با مسئله معنا و مطالعه آن در ارتباط هستند و به‌طور کلی، هر علمی که انسان با آن سر و کار دارد، به نحوی با معناشناسی مرتبط است.^۴ تحلیل معناشناختی بر این اصل استوار است که متن، محل شکل‌گیری فرآیند معنایی است. در تعریف، معناشناسی مطالعه علمی معنا معرفی شده است که به توصیف پدیده‌های زبانی در چارچوب یک نظام بدون هر پیش‌انگاری می‌پردازد.

از دیدگاه معناشناسی، هر آن‌چه دریافتنی و درک‌شدنی باشد متن است. متن مجموعه داده‌ها و پدیده‌هایی است که قابلیت تجزیه و تحلیل شدن دارند، اما کلام، فعالیت یا عملیاتی است گفتمانی، که به تولید گفته منجر می‌شود.

تأکید معناشناسی در میان نظام رمزها بر زبان است. به‌طور یقین، فعالیت کلامی دارای معنای کاملی است و تنها از واژگان شکل نیافته است؛ بلکه پدیده‌های کلامی جمله‌هایی هستند که نشانه‌های آن‌ها به مکث یا وقف یا امثال آن مشخص می‌شود. اگر این مسلم باشد، پس معناشناسی متکی بر واژه‌ها نیست؛ زیرا کلمات، تنها واحدهایی هستند که سخن‌گویان، کلامشان را از آن می‌سازند نمی‌توان هر یک از آن‌ها را پدیده کلامی مستقل و قائم به ذات محسوب نمود.

در معناشناسی تلاش می‌گردد قواعد کلی حاکم بر معانی و روابط بین آنها شناسایی، و اصولی برای درک و کشف معانی پیشنهاد شود.^{۱۸} این علم ابتدا به برش و تقطیع کلامی متن می‌پردازد و پس از بررسی معناشناختی این قطعات، با اتصال آنها به یکدیگر برای دستیابی به معنای کلی تلاش می‌کند. تحلیل متن در این روش از دقت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که مطالعه خود را به پیکره کلامی محدودی معطوف می‌کند.^{۱۹} بنابراین معناشناسی، کار کشف سازوکارهای معنا را با مطالعه‌ای علمی به عهده دارد؛ معنایی که در پس لایه‌های متن ذخیره شده و هرچه متن پیچیده‌تر، ادبی‌تر، چندلایه‌ای‌تر و درصدد انتقال معانی

^۸ رکعی، محمد و شعبان نصرتی. میدانهای معنایی در کاربست قرآنی. ص ۴۸ و ۴۹.

^۹ مختار عمر. معناشناسی. ص ۱۹.

^{۱۰} پالمر، فرانک. نگاهی تازه به معناشناسی. ص ۵۲.

^۱ بی پرویش، مانفرد. زبان شناسی جدید. ص ۵۲.

^{۱۲} مختار عمر، احمد. معناشناسی. ص ۱۹.

^{۱۳} صفوی، کورش. درآمدی بر معنی‌شناسی. ص ۲۹ و ۳۰.

^{۱۴} نعیم امینی، ام سلمه. معناشناسی قلب در قرآن کریم. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان. ۱۳۸۸. ص ۱۰.

^{۱۵} صفوی، کورش، درآمدی بر معنی‌شناسی. ص ۲۷.

^{۱۶} شعیری، حمید رضا. مبانی معناشناسی نوین. ص ۴۱.

^۱ مختار عمر. معناشناسی. ص ۱۹-۲۰.

^۱ ساجدی، ابوالفضل و ساجدی. «حامد تحلیلی تازه از تعامل معناشناسی و تفسیر قرآن به قرآن با الهام از دیدگاه ایزوتسو». قرآن شناخت ۱۷ (۱۳۹۵): ۱۱-۳۳.

^۱ شعیری، حمید رضا، مبانی معناشناسی نوین. ص ۴.

بیشتر با حجم زبانی کم‌تر باشد، کار معناشناسی به همان میزان سخت‌تر و پرهیجان‌تر می‌شود و نیاز به قواعد منظم و قانون‌های منسجم بیشتر رخ می‌نماید.

طرح بحث

یکی از موضوعات مهم در بررسی نظرات اخلاقی اندیشمندان، دیدگاه آنان در مورد نسبی یا مطلق بودن اخلاق است. با وجود اینکه ایزوتسو مفاهیم اخلاقی قرآن را به صورت روشمند مورد پژوهش قرار داده است اما در مورد نسبییت یا جاودانگی اخلاق، به صورت روشمند و شیوه فلاسفه اخلاق وارد بحث نشده است، شاید به همین دلیل، پژوهشگران در پاسخ به این سوال که نظر ایزوتسو در مورد نسبییت یا جاودانگی اخلاق چیست؟ اختلاف نظر دارند؛ از آنجا که مکتوبات ایزوتسو در موضوع نسبییت تا حدی مبهم می‌نماید، بعد از ذکر یک مقدمه کوتاه آن مطالب را نقل کرده و با استفاده از نظر اندیشمندانی که دیدگاه او را قضاوت کرده اند نتیجه‌گیری خواهیم کرد.

معناشناسی مفاهیم به ظاهر یکسان در فرهنگها یا زبانهای مختلف، زمانی معقول خواهد بود که بپذیریم، در عین نوعی قربابت معنایی که بین آن مفاهیم وجود دارد، دقیقاً به یک معنای واحد نیستند، و معناشناس در سدد برجسته کردن تفاوتها و اشتراکات معنایی یک مفهوم در زبانهای مختلف است، این نکته در بررسی موضوع نسبییت یا جاودانگی اخلاق به شکل اثربخش تری نمودار می‌شود، به این معنا که از این تفاوتها باید به این نتیجه برسیم هیچ وجه مشترکی در اخلاقیات جوامع وجود ندارد؟ یا با برجسته کردن شباهتها، قائل به وجود اصول مشترک اخلاقی میان جوامع مختلف و به تبع آن زبان اخلاقی آنها شویم؟

ایزوتسو به اشتراکات اخلاقی در جوامع انسانی توجه داشته، و در دیباچه کتاب مفاهیم اخلاقی دینی، نظر نوول اسمیت را که معتقد است قوانین اخلاقی در نکته‌های عمده و اصولی با هم تفاوتی ندارند، و اختلافات ناشی از اختلاف عقیده در باب واقعیات تجربی است، می‌پذیرد: در این مورد حق کاملاً با اولست و بر نظر او تا آنجا که قوانین اخلاقی به صورت کلی و انتزاعی و بدور از همه تفاوت‌های عقیدتی ناشی از واقعیات عینی، سخن می‌گوید ایرادی نمی‌توان گرفت؛ شاید در چنین سطح متعالی از تجزیه و انتزاع، طبیعت انسان در سراسر جهان یکسان باشد، و من منکر استقرار بعضی قوانین کلی اخلاقی که مشترک میان همه انسانها به لحاظ انسان بودن است، نیستم.

البته ایزوتسو به وجوه اختلاف جوامع در موضوعات اخلاقی هم توجه دارد و معتقد است گذشته از اصول و قوانین کلی اخلاقی وقتی به واقعیات عینی و اصطلاحات اخلاقی مربوط به آنها می‌رسیم اشتراکات اخلاقی میان جوامع بسیار کم است: به نظر من بیشتر اختلافات بنیادی در امور اخلاقی از قلمرو پایینتر واقعیات تجربی و عملی بر می‌خیزد. در اینجا و در میان واقعیات عینی زندگی انسان در اجتماع است که محتوای معنایی اصطلاحات اخلاقی شکل می‌گیرد. وقتی که این نظر که نیکی کردن چیست و چگونه است از جامعه‌ای به جامعه دیگر فرق می‌کند، مسلم است که ساخت معنایی واژه نیک و خوب هم در هر مورد تفاوت می‌یابد. از نظر ایزوتسو تصویری کلی از نیکی و خوبی در میان جوامع مشترک است اما این تصاویر در جزئیاتشان در جوامع مختلف کاملاً متفاوت هستند و معتقد است این فرض که در جوامع فهم یکسان و مشترکی حتی از واژه‌هایی که به امور کلی مثل نیکی یا خوبی اشاره دارند، گمراه‌کننده خواهد بود:

حتی این نظر هم فرض را بر این می‌نهد که در هر زبان واژه‌هایی وجود دارند که کم و بیش از لحاظ معنا و کاربرد معادل واژه «good» هستند که باید تصدیق نمود یکی از مبهم‌ترین و پرایرادترین واژه‌های زبان می‌باشد. برای آنکه از تحمیل ویژگیهای ساختی زبان خود، بر محتوای معنای واژگان دور بمانیم، ایمنتر خواهیم بود که به هیچ قیمتی به چنین فرضیات بی

۲. مطیع، مهدی. معنای زیبایی در قرآن کریم، ص ۷۳.

۲. همان، ص ۱۳.

۲. ص ۱۲.

۲. ص ۱۳.

پشتوانه و بی بنیادی نپردازیم. بنابراین او به این نتیجه می‌رسد که برای حفظ جانب احتیاط، با این پیشفرض که مفاهیم مشترک اخلاقی میان جوامع وجود ندارد، به سراغ معناشناسی اصطلاحات اخلاقی برود، تا بتواند کاملاً واقع‌گرایانه آنها را بررسی کند.^{۲۵} گویی ایزوتسو می‌گوید چه این مطالب درست باشد یا نباشد من در موضوع ارتباط میان زبان و فرهنگ، بنا را بر نظریه تکثر در مسائل اخلاقی می‌گذارم؛ نظریه ای که می‌گوید: عقیده مردم درباره اینکه بد و خوب چیست یا درست و نادرست کدام است از مکانی به مکانی، و از زمانی به زمان دیگر فرق می‌کند، و این اختلاف کاملاً اساسی و بنیادی است نه امری جزئی که بتوان آنرا به عنوان درجات مختلف مراحل رشد و تکمیل یک فرهنگ واحد، توضیح داد، اختلافی که ناشی از تفاوت‌های اساسی فرهنگی، که ریشه در عادات زبانی افراد هر جامعه دارد می‌باشد.

بر اساس مبانی ایزوتسو جهانی‌بینی و فرهنگ هر قوم از زبان و عادات زبانی آنها گرفته می‌شود و از آنجا که زبانها متفاوت هستند لاجرم فرهنگها هم متفاوت می‌شوند یکی از مصادیق این تفاوت فرهنگها مفاهیم اخلاقی متداول میان آنهاست، که تفاوت‌های بنیادین خواهند داشت. و این نکته ارتباط بین نسبیت زبانی و نسبیت اخلاقی را نشان می‌دهد براساس فرضیه نسبیت، زبان بر شیوه ادراک و تفکر و جهان‌بین انسانها تأثیر می‌گذارد. هر زبانی تصویری متفاوت از واقعیات جهان خارج ارائه می‌کند که اختصاص به آن زبان دارد و گویش‌وران به آن زبان نیز جهان را آن‌گونه که زبانشان ترسیم می‌کند، درک می‌کنند و تأثیرزبان بر اخلاق هم از همین بستر می‌گذرد و موجب تکثر در تفکرات اخلاقی جوامع می‌شود.

صاحب‌نظران در رابطه با دیدگاه ایزوتسو در مسئله مطلق یا نسبی بودن اخلاق اختلاف نظر دارند، آقای همدانی در این رابطه می‌نویسد: دیدگاه کلی ایزوتسو را میتوان به این صورت جمع بندی کرد که وی به وجود قوانین کلی اخلاقی، معتقد است و درعین حال، به تکثر نظام های اخلاقی اعتقاد دارد. عینیت‌گرایی ایزوتسو نیز به همین اعتقاد وی مربوط می‌شود؛ زیرا اختلاف میان نظام های اخلاقی، از نوع کیفی است؛ نه کمی؛ بنابراین، درباره هر نظام اخلاقی خاص باید معیارهای آن نظام را با بررسی جزءبه‌جزء آن استخراج کرد و نباید مقوله های زاده اقلیم فرهنگی دیگر را به آن اطلاق کرد؛ پس قوانین کلی اخلاقی، تنها با تحلیل و توصیف نظام های اخلاقی موجود حاصل میشوند؛ از این روی، ایزوتسو برخلاف کسانی همچون کانت، به یک اصل‌اعلای اخلاق که بتوان همه قوانین جزئی را به صورت منطقی، از آن استنتاج کرد، اعتقاد ندارد یا آن را مفید نمیداند؛ زیرا به اعتقاد او، درمیان واقعیت های عینی زندگی انسان در اجتماع، محتوای معنایی اصطلاحات اخلاقی شکل می‌گیرد. طبیعی است که این گونه اعتقاد به نسبیت در اخلاق، برای ما پذیرفتنی نیست؛ اما باید انصاف این زبان‌شناس را تا این اندازه ستود که برای همه نظام های اخلاقی، به یک میزان، حق وجود قائل است و هیچ یک را بر دیگری برتر نمیداند.^{۲۷}

در مقابل آقای ایازی در مقاله ای مشترک به گونه ای دیگر نتیجه گیری کرد، او در ابتدا نسبیت را به دو نوع تقسیم کرد و معتقد است نسبیت اخلاقی که ایزوتسو از آن، سخن گفته، به معنای دگرگون شدن رفتارهای اخلاقی با توجه به موقعیت ها و تغییر عناوین می‌باشد، از نظر او ایزوتسو معتقد است قرآن به جای آنکه مفاهیم خوب و بد را به شیوه ای کم و بیش انتزاعی و تجریدی به کار برد، درباره اخلاق و رفتار انسان به صورتی کاملاً عینی و ملموس قضاوت کرده است او در پایان نظر ایزوتسو را در موضوع نسبیت در اخلاق اینگونه توضیح می‌دهد: درنهایت، نظر او را میتوان چنین تعبیر کرد که تأدب به یک اخلاق خاص، مقوله ای ظاهری و عارضی نیست؛ بلکه با عمیق‌ترین جنبه های وجود ما سروکار دارد. اخلاق، لباسی نیست که بتوان از تن بیرون آورد و لباسی دیگر به جای آن پوشید؛ بدین ترتیب، میان این نظر و نظر ما مسلمانان که اخلاق را جزء جدایی‌ناپذیر از دین میدانیم، تعارضی وجود ندارد.^{۲۸}

۲. همان. ص ۱۳.

۲. همان ص ۱۳.

۲. همان. ص ۱۴.

۲. معصومی همدانی، حسین. «بحثی در زبان اخلاقی قرآن» مجله: نشر دانش (۱۳۶۱). ش ۲۹-۲۸ (صفحه ۱۶).

۳۵. ایازی، محمد علی و مریم پورافخم. «ایزوتسو و نقد و بررسی دو اثر قرآنی وی» تحقیقات علوم قرآن و حدیث. ۲۳ (۱۳۹۳): ص ۵-۳۲.

همانگونه که مشاهده شد ایزوتسو در ابتدا وجود اصول اخلاقی مشترک در میان انسانها را طرح و در ادامه به اختلافات بنیادین و اساسی میان فرهنگها اشاره کرده است، این مسئله موجب گردید برداشتهای متفاوتی از مطالب او به وجود بیاید. در جمعبندی این موارد، نظر یکی از اساتید این حوزه آقای دکتر میرعظیمی را در مصاحبه ای جویا شدم که در ادامه خلاصه ای از توضیحات ایشان خواهد آمد:

در یک بحث فلسفی که مبتنی بر یک انسان شناسی دینی است مشترکات فطری بین انسانها قائل هستیم که امور فطری در آن آخرین لایه، میان انسانها مشترک است اما قطعاً آن مشترکات وقتی می آید در ساحت زبان، فرهنگ و مصداق، و تعبیری که از آنها در غالب عبارات والفاظ و واژگان می شود کاملاً با همدیگر متمایزند. اما اگر آن مفهوم کلی را فارغ از این تفاوتهای زبانی و به صورت جامع بیابیم، همه اینها را در بر می گیرد و می توان گفت موارد مختلف در هر فرهنگ و زبان از مصادیقش است یا از لوازم و آثارش و غیره، که اینها ممکن است معطوف به یک کاربرد یا به یک جنبه اش یا به یک زمینه اش باشد و حتی افراطی، اشتباه، التقاط و ناقص هم صورت گرفته باشد.

نتیجه گیری

بنابراین وجه درست مسئله که ایزوتسو هم به آن اشاره دارد این است که یک سری قوانین و اصول کلی اخلاقی مشترک در میان جوامع وجود دارد که آن قوانین در شرایط زمانی-مکانی و فرهنگی- زبانی مختلف به گونه های خاصی در می آیند. ایزوتسو می گوید من به عنوان معناشناس -که معناشناسی یک شاخه از زبانشناسی است- کارم با زبان و فرهنگ است، و زبان و فرهنگ اموری عینی بوده و از واقعیتهای بیرونی خبر می دهند، از آنجا که یکی از اجزاء فرهنگ به معنای عام آن، اخلاقیات یا ارزشهای اخلاقی هستند، آنها را هم، در قالب های بیرونی و عینی شان مورد بررسی قرار می دهم و در آن ساحت عینی، اخلاقیات جوامع کاملاً از هم متمایز و جدا هستند تا جایی که نمی توانیم یک امر مشترک میان آنها پیدا کنیم. و همانگونه که واژه های زبان و مفاهیم فرهنگی در یک تفاوت چند هزار ساله و کاملاً جدا از هم شکل گرفته اند و ما نمی توانیم بگوییم مطابق یک واژه در یک زبان، به عینه در زبان دیگر هم هست، وقتی به آن جنبه عینی، فرهنگی و زبانی خارجی واژه هایی که تعبیر از اخلاقیات و مصادیق آنها می کنند، نگاه می کنیم تفاوتهایشان بیشتر است تا جنبه های مشترکشان.

منابع و مآخذ

۱. قرآن مجید
۲. مفهوم ایمان در کلام اسلامی. ترجمه زهرا پور سینا، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۹۶.
۳. بی پرویش، مانفرد، زبان شناسی جدید، ترجمه محمد رضا باطنی، تهران: آگاه، ۱۳۶۳.
۴. پالمر، فرانک. نگاهی تازه به معناشناسی. ترجمه کورش صفوی، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
۵. رکعی، محمد و شعبان نصرتی. میدانهای معنایی در کاربری قرآنی، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، قم ۱۳۹۶
۶. شعیری، حمید رضا. مبانی معناشناسی نوین. تهران: سمت، ۱۳۹۷.
۷. صفوی، کورش. درآمدی بر معنی شناسی. تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۷.
۸. فهمی حجازی. محمود، زبانشناسی عربی، ترجمه سید حسین سیدی، تهران: سمت ۱۳۷۹.
۹. کروز، د.ا. معنی شناسی (زبان های دنیا، چهار مقاله در زبانشناسی). ترجمه کورش صفوی، تهران: سعادت، ۱۳۸۴.
۱۰. مختار عمر، احمد. معناشناسی، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۶.
۱۱. مطیع، مهدی، معنای زیبایی در قرآن کریم. تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷.
۱۲. نعیم امینی، ام سلمه. معناشناسی قلب در قرآن کریم. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان (۱۳۸۸).

۱۳. ابازی، سید محمد علی؛ پورافخم، مریم؛ «ایزوتسو ونقد و بررسی دو اثر قرآنی وی». مجله: تحقیقات علوم قرآن و حدیث « ۲۳ (۱۳۹۳)».
۱۴. ربیعی آستانه، مسعود؛ ایزوتسو و معنی شناسی در آیات قرآن مجله: پژوهش های قرآنی « ۳۷ و ۳۸ (۱۳۸۳)»: ۳۲۸ تا ۳۴۰.
۱۵. ساجدی، ابوالفضل و ساجدی، حامد؛ تحلیلی تازه از تعامل معناشناسی و تفسیر قرآن به قرآن با الهام از دیدگاه ایزوتسو:
۱۶. علوی نژاد، سید حیدر. «معنی شناسی و فهم متن، پژوهش های قرآنی» ۲۷-۲۸ (۱۳۸۰): ۲۷۸ تا ۳۲۱.
۱۷. معصومی همدانی، حسین. «بحثی در زبان اخلاقی قرآن» مجله: نشر دانش (۱۳۶۱).
۱۸. نصر الله پور جوادی، آخرین دیدار با ایزوتسو، نشر دانش، سال سیزدهم، شماره دوم.



The impact of the semantics in understanding the concept of relativity and the immortality of ethics based on Izutsu's perspective

Abstract

The topic of ethics has attracted the attention of many thinkers throughout history, and it has been discussed from different perspectives, including the famous Japanese linguist Toshihiko Izutsu. In this article, we have tried to explore Izutsu's answer to one of the most frequent questions among ethical topics, i.e., the relativity or immortality of ethics, to see what kind of thinking is created by semantic studies as one of the branches of linguistics. Some of Izutsu's writings have been interpreted as saying that he considers ethics relative. However, further research in Izutsu's works has determined that he does not mean moral relativism.

Key words: ethics, Toshi Hiko Izutsu, semantics, immortality in ethics, relativity in ethics

